

گول ظاهر را نباید خورد



نیوشا طبیبی

روزنامه‌نگار

صبح اول وقت از بیمه دولتی تماس گرفتند که نتیجه آزمایش همسرم، نامتعادل است و برای همین فردا حتماً در فلان ساعت به کلینیک مراجعه کنید تا پزشک، دستورات لازم را بدهد. از مدتی پیش همسرم درد شدیدی در ناحیه شکم احساس می کرد، تلاش هایمان برای گرفتن وقت ویزیت دکتر در زمانی کوتاه، به جایی نرسید و اولین وقت را برای ۱۰ روز بعد دادند. مطابق شبیه‌ای که در ابتدا گفته بودند، گرفتن وقت فقط از روی اپلیکیشن موبایل امکان پذیر بود، اما این اپلیکیشن معمولاً کار نمی کند. به ناچار به شهر مجاور - با حدود ۲۰ کیلومتر فاصله - رقیم، جایی که مرکز بهداشت منطقه ما محسوب می شود و وقت دادند. وقت مبارکتان را ضایع نکنم، روز موعود، معاینه انجام شد و وقت آزمایش خون برای سه روز بعد در همان مرکز تعیین شد! سه روز بعد فقط برای گرفتن خون که بیش از سه دقیقه هم طول نمی کشید، مراجعه کردیم که در نهایت دو، سه روز بعد منجر به همان تماس اول وقت و دستور پزشک خانواده برای بستری شدن فوری به دلیل اختلال کبدی شد. یعنی برای تشخیص اختلال کبدی که در مانی سریع می طلبید، حدود دو هفته صبر کردیم! بلافاصله با دستور پزشک به بیمارستان بسیار مجهز، مدرن و عظیمی در یکی از شهرهای نزدیک مراجعه کردیم. با اطمینان خاطر از اینکه بلافاصله کار بستری و درمان آغاز می شود. ورود ما ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه روی برگه نوبت ثبت شد، من و همسرم از این ساعت تا هشت ساعت بعد، روی نیمکت های فلزی سالن انتظار عمومی بیمارستان نشستیم. این بیمارستان عظیم چند هزار تختی، فاقد حتی یک غرفه عرضه مواد غذایی است. چند دستگاه فروش بیسکویت، شکلات، آب و نوشابه که اغلب خراب هستند و درست کار نمی کنند، در گوشه سالن قرار داده اند. دست آخر ساعت یک بعد از نیمه شب همسرم بستری شد و فردا هم بدون حتی یک قرص یا دارو و فقط با این تشخیص که مشکل هپاتیت نیست، او را مرخص کردند و گفتند، برای اظهار نظر دقیق تر نیاز به سونوگرافی است. وقت سونوگرافی؟ ۱۰ روز دیگر! اینها را که عرض کردم در سودان و یمن اتفاق نیفتاده است، این روال معمول روند کار درمانی در اسپانیا، چهارمین قدرت اقتصادی اروپا و مدعی سطح بالای کیفیت زندگی است. همین چرخه درمانی در هر نقطه از کشور ما در بخش دولتی، بسیار سریع تر، با تشخیصی دقیق و بسیار محترمانه تر انجام می شد. آنچه تلویزیون ها و رسانه های دشمن ایران درباره رفا، آزادی و سطح بالای کیفیت زندگی در همه جای جهان به جز ایران گزارش می کنند، جز دروغ و بزرگ نمایی نیست. ویزا بگیرها و آنها که رویای زندگی بهتر می فروشند و آواره می کنند هم دروغ می گویند. داستان مراجعه ما به سیستم درمانی اسپانیا و نامیدی و ترس از خدمات پریشان و پر از خطای آنان، فقط مشتی از خروار است. واقعیت چنین است: غربی ها، به خصوص آلمانی ها، فرانسوی ها و اسپانیایی ها درگیر نظام هایی بسیار ناکارآمد هستند. نظام بانکی و نظام خدماتی در ایران بسیار کارآمدتر، انسان محورتر و دقیق تر عمل می کند. نظام درمانی ایران با تمام انتقاداتی که به آن وارد است، در تشخیص بیماری، ارائه درمان و خدمات در تمام کشور و در سریع ترین زمان ممکن، کارنامه ای درخشان و کم نظیر دارد. من، هم در زمان اقامتم در ایران از خدمات بیمه تامین اجتماعی استفاده می کردم و با آن فضا و شبیه آشنای هستم، هم در کشورهای ثروتمند عربی زندگی کرده ام. عرض این است که گول کت و شلوار و کراوات تمیز، صورت های تراشیده و خانه های قشنگ و مرتبی که در فیلم های هالیوودی نشان مان می دهند را نباید خورد. کار اینها از ریشه خراب است. در اسپانیا بیمه درمانی پوشش همه گزتری دارد، اما خدمات آن بسیار گند و تشخیص بیماری توسط پزشکان، اغلب نادرست است. تجویز دارو با کندی، کاهلی و بی حوصلگی انجام می شود. در دندان پزشکی کار از این هم بدتر است: کیفیت بسیار نازل است و پول بسیار زیادی بابت آن دریافت می کنند. در آلمان هم به همین صورت، نظام بهداشتی و درمانی بسیار ناکارآمد و درگیر سازوکارهای غیر قابل توضیحی است. سخن کوتاه کنم؛ عرض فقط درباره دارو و درمان نیست، بسیاری از چیزهای خوبی که داریم را بر اثر عادت و البته بدگونی رقیبا و دشمنان و الکن بودن زبان دولت در بیان کارآمدی ها، نمی بینیم و زندگی را به کام خود تلخ می کنیم. در همین جنگی که از سر گذارندیم، شبکه تولید و توزیع و برنامه امنیت غذایی کشور معجزه کردند. من شاهد بحران هایی بسیار کوچک تر در اروپای غربی بوده ام که منجر به غارت سوپرمارکت ها، کمبود مواد غذایی و مشکلات دیگر شده است. جامعه غربی تاب تحمل حتی چند ساعت قطعی برق را هم ندارد، دولت های شان هم برای مدیریت پیامدهایش برنامه ای ندارند.

۱۶
۲۴ ساعت
24 HOURShammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



هیچ کاری برای این تراژدی نمی کنیم

پپ گواردیولا در جدیدترین گفت وگویی خود از فجایع انسانی در غزه و افسردگی اش در فوتبال گفت



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی «هم‌میهن»

جنايات اين روزها در غزه، باعث شد تا بار ديگر افراد سرشناس در حوزه های مختلف نسبت به اين موضوع واکنش نشان دهند. سه روز پيش دواین جانسون، بازیگر معروف هالیوود در صفحه شخصی خود در خصوص جنايات رخ داده در غزه چنین نوشت: «من شرارت های زیادی را در فیلمنامه های هالیوود دیده ام، اما هيچ کدام با آنچه اسرائيل در غزه انجام می دهد، قابل مقایسه نیست.» صحبت کردن در مورد جنايات رخ داده در غزه اصولاً با احتیاط زیاد توسط سلبریتی های غربی همراه است، چون با بایکوت خبری یا «حمله رسانه ای» شدید به آنها همراه خواهد شد. گری لینه کر که در خصوص جنگ اسرائیل و فلسطین در حمایت از فلسطینی ها صحبت کرده بود، با اخطار شدید و جدی از سوی مدیران بی بی سی روبه رو شد. پپ گواردیولا که ماه گذشته بعد از دریافت دکترای افتخاری، در خصوص جنايات غزه صحبت کرده بود، اخیراً در گفت وگو با نشریه ای اسپانیایی بار دیگر در حمایت از مردم غزه صحبت و انتقادش را نسبت به آنچه در این منطقه می گذرد، بدون سانسور بیان کرد. در این گزارش قصد داریم جدیدترین گفت وگویی پپ گواردیولا را با نشریه GQ Hype مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

▼ فراتر از ایدئولوژی

پپ گواردیولا، سرمربی منچستر سیتی ماه گذشته در مراسم اعطای دکترای افتخاری از دانشگاه منچستر، به موضوع نسل کشی در غزه پرداخت و آن را محکوم کرد. او در سخنان خود ابراز نگرانی عمیق خود را از وضعیت کودکان در غزه نشان داد و گفت که از این وضعیت بسیار وحشت زده است. در این مراسم، گواردیولا گفت که آنچه در غزه اتفاق می افتد، بسیار دردناک است و او شخصاً از این بابت رنج می برد. او افزود که این موضوع مربوط به ایدئولوژی نیست و هر انسانی باید از این فجایع رنج ببرد. او همچنین به داستان پرهنه ای که در حال سوختن جنگل، قطره ای آب به نوکش می برد و تلاش می کند آتش را خاموش کند، اشاره کرد و گفت که ما نیز باید در حد توان خود تلاش کنیم، حتی اگر کوچک باشد و به نتیجه نرسد.

▼ انقراض انسانیت

مصاحبه گواردیولا با این نشریه اسپانیایی که اغلب در خصوص آینده فوتبالی اش بوده، نه سیاست و مسائل اجتماعی، اما بخش مهمی از این گفت وگو مربوط به فجایع انسانی است که در غزه رخ داده است. گواردیولا در سخنان خود به صراحت از نسل کشی در غزه انتقاد کرد و گفت که باید جلوی این پدیده شوم گرفته شود، چرا که قربانیان بعدی، کودکان ما خواهند بود. او همچنین از این که فرزندانش را در چنین دنیایی از خواب بیدار می کند، وحشت زده و ترسان است. او در گفت وگو با مجله اسپانیایی GQ اظهار داشت: «همه ما در حال تماشای این فاجعه به صورت زنده هستیم، اما هیچ واکنش واقعی ای نشان نمی دهیم. این، نشان دهنده انقراض انسانیت جمعی ماست.» گواردیولا افزود: «به نظر می رسد انسان ها دیگر ذره ای انسانیت در وجودشان باقی نمانده است؛ چه در اوکراین، چه در فلسطین. ما هیچ کاری برای این تراژدی نمی کنیم و فقط به بازی کردن ادامه می دهیم، انکار هیچ اتفاقی نیفتاده است.» او با اشاره به جنگ های جهانی اول و دوم گفت: «در آن زمان فجایع مخفی می ماندند، اما امروز همه چیز را مستقیم در تلویزیون می بینیم، با این حال حتی یک واکنش کوچک هم نداریم.»

▼ عاشق شکست

یکی از بخش های زیبای این گفت وگو، نگاه جالب گواردیولا به شکست و درس گرفتن از آن است. او در این گفت وگو با اشاره به اینکه عاشق شکست است، می گوید: «روزی می رسد که می گویم دیگر بس است و کاری به نشست های خبری و برنامه ریزی تمرین ندارم و می روم تا به زندگی خود برسم و رئیس خودم باشم. من عاشق شکست خوردن هستم. باختن را دوست دارم. در این جامعه که همه چیز باید کامل باشد، شکست نیز درس عبرت است. چهار یا پنج ماه در ورزشگاه ها علیه من شعار دادند و خواستار اخراج من بودند. کدام شغل در دنیا را سراغ دارید که ۶۰ هزار نفر خواستار اخراج تو باشند؟ ولی من در کارم مقاومت می کنم، چون می خواهم آن هدفی که دارم هرطور که هست، اجرایی شود.

▼ هنوز بهترین هستم

یکی از چالش های گواردیولا این است که اعتماد گذشته به او، حداقل در کوتاه مدت از بین رفته است. بسیاری عقیده دارند، تاکتیک و تفکر گواردیولا، لوفته و پادزهر آن توسط مربیان دیگر طراحی شده است. او خودش اما چنین عقیده ای ندارد و می گوید، ناکامی یعنی شما فصل بعد از قهرمانی، رتبه دوازدهم را کسب کنی؛ نه اینکه سوم شوی. او می گوید، مصدومیت ها در فصل گذشته منچستر سیتی را آزار داد؛ از جمله مصدومیت رباط صلیبی پای راست رودری، برنده توپ طلا در ماه سپتامبر. این تیم زودترین حذف خود در لیگ قهرمانان اروپا از فصل ۱۳-۲۰۱۲ را تجربه کرد و در لیگ برتر در جایگاه سوم قرار گرفت. با این حال، گواردیولا معتقد است شکست بزرگی محسوب نمی شود. او گفته: «چندان بد نبود. در نهایت به فینال جام حذفی رسیدیم و در لیگ هم سوم شدیم، نه دوازدهم. با نگاهی به گذشته، خواهیم دید فصل چندان بدی رقم نخورد. ماه ها بدون برد بودیم؛ چیزی که قبلاً هرگز رخ نداده. این ما را در جایگاه فعلی مان قرار داد.»

▼ شادی وجود ندارد

گواردیولا اما معتقد است، اتفاقاتی که در دنیا رخ می دهد باعث شده تا او دیگر انسان شاداب گذشته نباشد. سرمربی فعلی منچستر سیتی می گوید، برخی رفقایش او را به خوبی می شناسند: «یک رفیق صمیمی دارم که می گوید، تو سه حالت داری. یا سرخوش هستی یا غمگین و افسرده. این در حالی است که من قبلاً انسان بسیار شادی بودم. بعد از منچستر سیتی، به احتمال زیاد دیگر مربیگری نمی کنم. می خواهم استراحت طولانی مدتی داشته باشم. در حال حاضر حس می کنم ۷۵ ساله هستم.»

گواردیولا در پایان این گفت وگو می گوید، دنیای مربیگری برای او خیلی زود به پایان خواهد رسید و دیگر بعد از منچستر سیتی در تیمی فعالیت نخواهد کرد: «می دانم پس از این دوره با منچستر سیتی، قطعاً مربیگری را متوقف خواهم کرد. این تصمیم کاملاً گرفته شده. نمی دانم این توقف چقدر طول خواهد کشید، یک سال، ۲ سال، ۳ سال، ۵ سال، ۱۰ سال یا ۱۵ سال اما پس از این دوره با منچستر سیتی، باید متوقف شوم و روی خودم و سلامت جسمانی ام تمرکز کنم.» نگاه پپ به فوتبال و خستگی اش از چالش های دوده اخیر باعث شده تا هواداران و کارشناسان فوتبال به این موضوع پی ببرند که فشار زیادی روی دوش سرمربی فعلی منچستر سیتی و اسبق بارسلونا است. او البته در قیاس با سایر مربیان قدیمی خیلی زود عقب نشینی کرده است. وقتی بدانیم فرگوسن تا ۷۲ سالگی و یوپ هاینکس هم تا همین حدود سنی، مربیگری کردند.

چهره

ماندگار مانند «ایران ایران»



از بزرگ ترین آوازخوانان ایرانی که او را به صدای گرم احساسی می شناسند، محمدنوری است. خواننده و معلم آواز که آهنگ «جان مریم» ساخته او را همه ما بارها شنیده ایم. نوری یکم دی ماه ۱۳۰۸ در رشت متولد شد. تحصیلاتش را در رشته های ادبیات انگلیسی و تئاتر از دانشگاه تهران به پایان رساند و در کنار آن، آموزش آواز ایرانی را نزد استادان بزرگی چون اسماعیل مهرتاش و حسین اصلانی آموخت و در دهه ۱۳۲۰ نخستین قدم هایش را در دنیای موسیقی گذاشت. نوری طی پنج دهه بیش از ۳۰۰ قطعه اجرا کرد و آثار شنیدنی بسیاری مثل «جان مریم»، «کپکشان عشق» و «ایران ایران» را در ۱۰ آلبوم از خود به یادگار گذاشت. آثاری که بسیاری از آنها همچنان در ذهن مخاطبان زنده اند. او صدایی خاص داشت که در انتقال معنا و احساس موسیقی، شعرها و ترانه ها کارگر بود. این هنرمند پرآوازه، توانایی بالایی در اجرای سبک های مختلف داشت و موفق شد در آواهای سنتی و پاپ جای خود را محکم کند. بسیاری از اساتید موسیقی، خاص بودن سبک نوری را ستایش کرده اند، به خصوص اینکه هیچ گاه سعی نکرد خود را شبیه دیگر خوانندگان کند. نوری به حفظ اصالت و وفاداری به ریشه های موسیقی ایرانی اعتقاد راسخی داشت. نوری پس از سال ها مبارزه با سرطان، نهم مردادماه ۱۳۸۹ بدرود حیات گفت.

کتابخانه

فلسفه رندانه

اولین حسی که احتمالاً به هر علاقه مند به تاریخ اندیشه در ایران بعد از دیدن عنوان این کتاب دست خواهد داد، حیرت است زیرا تا آنجا که خاطرمان یاری می دهد، غزالی در جهان اسلام بیش از هر چیز به دشمنی خستگی ناپذیرش با فلسفه و تفکر عقلی شهرت دارد. او در کتاب مشهور «تفاوت الفلاسفه» به فیلسوفان تاخت و حتی آنان را بر مبنای برخی از باورهایشان «کافر» خواند. باز خواننده ایم که این ابن رشد بود که در مقام دفاع از فلسفه، بر این اثر غزالی ردیه ای نوشت به نام «تفاوت التهاافت». در این کتاب اما نویسنده علیه ابن باورهای تثبیت شده می نویسد و در مقابل، از غزالی فیلسوف



غزالی فیلسوف
نویسنده:
الکساندر تریگر
مترجم: سمانه فیضی
و احمد ایزدی
انتشارات: ققنوس

رونمایی می کند. تریگر، غزالی را اندیشمندی در ادامه سنت فلسفی ابن سینا معرفی می کند و می گوشت نشان بدهد که آثار غزالی، مشحون از تعالیم فلسفی است. بدین ترتیب با خواندن کتاب درمی یابیم که غزالی خود یکی از خلاق ترین مروجان فلسفه در قرون میانی اسلامی، البته به طرز رندانه و در قالبی عرفانی است.

تاریخ

کشتار حجاج



فاجعه «کشتار حجاج»، به کشتار حدود ۴۰۰ نفر از حجاج ایرانی، لبنانی، فلسطینی، پاکستانی و عراقی و مرگ تعدادی از ماموران عربستانی در حج تمتع ۱۳۶۶ در مراسم

براث از مشرکان اشاره دارد. در این فاجعه نیروهای عربستانی با حمله به این مراسم، حدود ۵۰۰۰ نفر را نیز مجروح کردند. بیشتر حجاج شهید ۲۷۵ نفر- ایرانی بودند. این فاجعه که در دوران ملک فهد اتفاق افتاد، عکس العمل شدید مقام های ایرانی به ویژه امام خمینی را در پی داشت و به دنبال آن، روابط سیاسی ایران و عربستان قطع و اعزام حجاج متوقف شد. مراسم «براث از مشرکان»، برای نخستین بار پس از انقلاب اسلامی با هماهنگی دولت سعودی در سال ۱۳۶۰ برگزار شد و هر ساله در قالب راهپیمایی و قرائت پیام امام خمینی ادامه یافت. در این مراسم از آمریکا، شوروی و اسرائیل به عنوان رهبران کفر و شرک اعلان براث می شد. در این سال اما در کنار شدت عمل نیروهای سعودی، برخی تظاهرکنندگان نیز بر آتش این درگیری افزودند. در همین زمینه برخی نیز به نقش سازمان مجاهدین خلق در این کشتار اشاره کرده اند.